

گریز اروپایی ها از پرداخت مالیات به کلیساها

آنتوان کازانووا مسئول بخش مسایل مذهبی در حزب کمونیست فرانسه، به مناسبت سفر پاپ جدید به آلمان (زادگاه خود) و جنجال تبلیغاتی که در سراسر اروپا پیرامون این سفر و گرایش به مذهب به راه افتاد، نخستین اقدامات پاپ جدید و همچنین واکنش های واقعی جامعه آلمان در برابر کلیسا را در یک مصاحبه ارزیابی کرده است.

- پاپ جدید ادامه پاپ سابق است؟

- دستگاه رهبری کلیسا اکنون در برابر جنبشی قرار گرفته است که خواهان عدالت، صلح، برابری انسانها و دموکراسی مشارکتی در همه عرصه های زندگی اجتماعی در سطح جهان و همچنین اروپا و حتی در داخل خود کلیسای مسیحی است. این خواست ها نزد جوانان، بویژه بسیار فراگیر است. پاپ ژان پل دوم این واقعیت را دریافت و بویژه در بخشی از سخنرانی های خود در دهه نود در مورد لیبرالیسم، توجه به فقرا و غیره آن را مطرح کرد. اما زمانی که سخن برسر انطباق با نیازها و خواسته های جوانان است کلیسا همچنان در چارچوب يك نگاه هیرارشیك به نظام اجتماعی، به مناسبات با خدا در داخل کلیسا قرار دارد و در ان يك ساختار هرمی سلطه دارد که حتی مجموعه کشیشان هم زیر دستور پاپ هستند. این تضاد همچنان باقیست و همه چیز نشان می دهد که خطر تشدید ان با پاپ جدید بیشتر خواهد بود. پاپ جدید، یعنی همان کاردینال راتزینگر معروف را همه در آلمان به خاطر نقش او در دهه هفتاد بر علیه الهی دانان و کاتولیک هایی که هدف خود را آزادی بیشتر انسانی قرار داده بودند می شناسند. بدون اینکه از نقش او در دهه هشتاد در مبارزه با الهیات رهایی بخش در امریکای لاتین سخن بگوییم. اما در نهایت همه چیز بستگی به فشار خواست های رهایی طلبانه دارد که در سطح جهان و در خود کلیسا رشد می کند. راتزینگر اکنون پاپ است و نه کاردینال و او دیگر نمی تواند این خواسته ها را نادیده بگیرد.

- بنظر می رسد سخنان اخیر او فرار به جلو، در سمت محافظه کاریست؟

- تا آنجا که به پاسخ به خواسته های رشدیابنده جوانان و کاتولیک ها مربوط می شود عملا هیچ پیشرفتی نسبت به پاپ قبلی بدست نیامده است. اگر بخواهیم براساس رویکرد واتیکان به برخی مسایل اخیر نگاه کنیم مثلا نقش آن در شکست رفراندم مربوط به کمک به بارداری زنان در ایتالیا، درخواست برای قرار دادن صلیب در میدان های عمومی، فشار برای تصریح به ریشه مسیحی اروپا در قانون اساسی اروپا، یا عقاید او در مسئله برابری زن و مرد در کلیسا ... در همه این موارد ما بیشتر يك جنبش معکوس را می بینیم. مثلا سخنان اخیر پاپ خطاب به جوانان در مورد اینکه اجازه ندهید جامعه مصرفی شما را "فاسد" کند در حالی که نگرانی جوانان امروز با توجه به حدت بحران اجتماعی بیشتر بیکاری و فقر است و نه اینکه مبدا زیاد از حد مصرف کنند.

کلیسا به حضور انبوه جوانان در مراسم استقبال از پاپ در آلمان افتخار می کند. اما آیا این خود به نوعی زنده نبودن کلیسا را پنهان نمی کند؟

- آنچه در آلمان می بینیم بسیار جالب توجه است. آنجا تعداد وفادران به کلیسا وسیعا کاهش یافته است. نه اینکه آنان که از کلیسا جدا می شوند، آتئست و بی خدا می شوند. آنان همچنان به نیازهای روحی خود وفادار می نمایند. اما دیگر پاسخ به خواسته های خود را در کلیسای

کاتولیک و بخش وسیعی از کلیساهای پروتستان نمی یابند. حتی از این روند میتوان ارزیابی دقیقی داشت اگر به شمار کسانی که روزبروز بیشتر مخالف پرداخت مالیات به کلیسا هستند توجه شود. مالیاتی که در آلمان همچنان بدلیل عدم جدایی رسمی کلیسا و دولت پرداخت می شود. کاردینال آلمانی کارل لمان به احتمال قوی مسئله را درست دیده است وقتی می گوید: مخالفت فراگیر با پرداخت مالیات به کلیسا، نشانه بحران در کل جامعه است.